

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی  
فرستنده: درویش وردگ  
۲۶ اکتوبر ۲۰۱۷

## ترجمه السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۳

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

### مسألة اول

بدان رحمک الله: که اول آنست که مؤمن چنان باید که در ایمان خود به شک نباشد و نباید که گوید: که من مؤمنم انشاء الله. ولیکن باید که گوید: من مؤمنم حقاً. نه می بینی که حق تعالی گفت: قوله تعالى: أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. زیرا که چون گوید: که من مؤمنم انشاء الله. در ایمان خود به شک باشد. و حق تعالی گفت: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا. گفت: مؤمنان آن کسانی که بگرویدند بخدای و رسول. پس شک در ایمان خود نیاوردند. پس حق تعالی خلق را سه گروه یاد کرد: مؤمن و منافق و کافر. و چهارم نگفت. پس بنگر تازین سه کدامی؟ اما مؤمنان را گفت: أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ حَقًّا. و مرکافران را گفت: أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا. و منافقان را گفت: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ. حق تعالی مرمؤمنانرا، مؤمن بحق خواند. و مرمنافقان را گفت: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ. و مرکافران را کافربحق خواند. و با این سه گروه چهارم یاد نکرد. پس اگر بگوید مؤمن بحق آن بود که همه طاعتها بتمامی بکند. بگوی مران غافل را که مؤمن آن بود که طاعتها بکند. و اگر نی مؤمن بحق نباشد. پس لازم شود که تاکافر همه معاصی نکند کافرنشود. و اگر گوید: کافر را کافر نخوانم تا همه معاصی کند، آن کس کافرنشود. زیرا که حق تعالی مرجهودان را گفت: عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ. چون ایشان گفتند: نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ. مرایشان را کافر بحق خواند و گفت: أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا. پس اگر گوید مؤمن انشاء الله بنگر که بدین انشاء الله چه می خواهد؟ ماضی را یا مستقبل را؟ یا آن حال را که اندرونست؟ اگر حال گذشته را خواهد گوید: من مؤمن بودم اگر خدای خواهد. یا مؤمنم اکنون اگر خدای خواهد. بدین دو لفظ کفر واجب کند به مذهب همه فقها. و اگر فردا را گوید روا بود ولیکن بدعت بود. زیرا که رسول صلی الله علیه وسلم گفت: مَنْ لَمْ يَكُنْ مُؤْمِنًا حَقًّا فَهُوَ كَافِرٌ حَقًّا.

وآورده اند: که مردی از عبدالله بن عباس پرسید: که یا ابن عباس! چگونه باید گفت؟ عبدالله بن عباس گفت رضی الله عنهما: که بگوی مؤمن حقا. واین آیت خواند: إِنَّ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا. یعنی لم یشکها. پس بگوی مران غافل را که تو بخواست خدایتعالی مؤمنی! یابی خواست خدایتعالی؟ زیرا که تفسیر انشاء الله آنست: که خدایتعالی اگر خواهد من مؤمنم. و اگر بخواست خویش مؤمنی! بی خواست خدای تعالی باجماعت امت کافر شدی بدان که چیزی بی خواست خدای تعالی نباشد.

اگر پرسند که ایمان چیست؟ بگوی که ایمان آنست که : أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرَسُولِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى. وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالصِّرَاطُ حَقٌّ، وَالْحِسَابُ حَقٌّ، وَمَآجَاءُ بِهِ جِبْرِئِيلُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَهُوَ حَقٌّ.

پس این همه بگوئی و بگوئی انشاء الله ، این ایمان نباشد. اما چون این همه بگوئی و نگوئی انشاء الله ایمان باشد. و اگر گوید من مؤمنم انشاء الله. چنان باشد که نادانی گوید: خدای هست انشاء الله. و محمد پیغمبر بود انشاء الله. و قرآن کلام خداست انشاء الله. و فرشتگان هستند انشاء الله. و قیامت خواهد بود انشاء الله این گوینده بی خلاف کافر شود. نبینی که چون مردی گوید: زن وی طلاق، یا برده وی آزاد، یا فروختم یا خریدم انشاء الله. یا خدای را چندین روز روزه دارم انشاء الله این انشاء همه احکام را باطل کند. این مقدار بس باشد خردمند را.

ادامه دارد